

کتاب ملاکی نبی

مقدمه

ملاکی نبی حدود پنجمصد سال قبل از میلاد مسیح زندگی می کرد.

کتاب ملاکی نبی بعد از تکمیل شدن اعمار مجدد عبادتگاه در اورشلیم نوشته شده است. با وجود آن که عبادتگاه تکمیل شده بود، مردم و حتی کاهنان نسبت به عبادت و پرستش خداوند تنبل شده بودند. ملاکی کسانی را که صادقانه خداوند را پرستش نمی کنند، سرزنش نموده و به آنها یادآوری می کند که اگر از کارهای نادرست توبه نکنند، مورد تنبیه خداوند قرار خواهند گرفت.

در آخر کتاب، ملاکی از آمدن مسیح موعود خبر می‌دهد و به مردم خاطرنشان می‌کند که خداوند به فکر آنهاست.

با به پایان رسیدن کتاب ملاکی، عهد عتیق کتاب مقدس نیز به پایان می‌رسد.

جهان بعد از ملاکی نبی، چهار صد سال در خاموشی یعنی بدون کدام پیامی از انبیا به آمدن مسیح موعود در انتظار ماند. در پایان سکوت چهار صد ساله، یحیای نبی ظاهر می‌شود و عیسای مسیح را به حیث بره‌ای که برای آمرزش گناهان همهٔ مردم قربانی می‌شود، به مردم معرفی می‌کند.

فهرست موضوعات

گناهان اسرائیل: فصل ۱: ۱ - ۲: ۱۶

داوری خدا و وعده رحمت: فصل ۲: ۱۷ - ۴: ۶

① کلام خداوند درباره اسرائیل از طریق ملاکی نبی.

محبت خداوند به اسرائیل

②-۳ خداوند می‌فرماید: «من شما را همیشه دوست

داشته‌ام.» اما شما می‌پرسید: «تو ما را چطور دوست

داشته‌ای؟» خداوند در جواب می‌فرماید: «عیسو و

یعقوب دو برادر بودند. من از عیسو نفرت داشتم.

سرزمین کوهستانی او را ویران کردم و آنجا را لانه شغالها

ساختم، ولی جد شما یعقوب را دوست داشتم.» ④ شاید

ادومیان که اولاده عیسو هستند، بگویند: «شهرهای ما

ویران شده‌اند و ما می‌رویم آنها را دوباره آباد می‌کنیم.»

اما خداوند قادر مطلق می‌فرماید: «اگر آنها شهرهای خود را آباد کنند، من همه را دوباره ویران می‌سازم. سرزمین آنها «سرزمین شرارت» و خودشان «مردمی که خداوند تا ابد بر آنها خشمگین می‌باشد» نامیده می‌شوند.» ⑤ ای قوم اسرائیل، وقتی شما همهٔ اینها را به چشم خود ببینید، خواهید گفت: «بزرگی و عظمت خداوند در آنسوی سرحدات اسرائیل هم مشاهده می‌شود.»

فساد کاهنان

⑥ خداوند قادر مطلق به کاهنان می‌فرماید: «پسر، پدر خود را و غلام، آقای خود را احترام می‌کند، پس اگر من پدر شما هستم، چرا به من احترام ندارید؟ اگر من سرور شما هستم، عزت من کجاست؟ ای کاهنان، شما نام مرا بی‌حرمت ساخته‌اید و می‌گویید: «ما چطور نام تو را

بی حرمت کرده ایم؟» ⑦ وقتی که شما قربانی های نجس را بر قربانگاه من می گذارید، نام مرا بی حرمت می سازید. بلی، با این کار خود، شما به قربانگاه من بی احترامی می کنید. ⑧ آیا این کار شما زشت نیست که یک حیوان کور و لنگ و بیمار را برای من قربانی می کنید؟ اگر آن را به حاکم تان هدیه بدهید، آیا او آن را قبول می کند و از شما راضی و خوشنود می شود؟»

⑨ حالا شما کاهنان توقع دارید که خدا بر شما رحم کند و شما را از فیض خود بهره مند سازد. اما دعای شما قبول نمی گردد و خداوند قادر مطلق می فرماید که تقصیر از خود شماست. ⑩ ای کاش یکی از شما کاهنان دروازه عبادتگاه مرا ببندد تا کسی نتواند آتشی بر قربانگاه من بیفروزد. من از شما راضی نیستم و قربانی های شما را نمی پسندم. ⑪ از طلوع آفتاب تا غروب آن، نام من در

سراسر روی زمین و در بین تمام قومهای جهان با احترام و عزت یاد می‌شود و مردمان دیگر برای من خوشبویی دود می‌کنند، قربانی تقدیم می‌نمایند و به نام من احترام می‌گذارند (۱۲) اما شما نام مرا بی‌حرمت می‌سازید، زیرا می‌گویید که دسترخوان من نجس بوده و غذای آن ناپاک است. (۱۳) خداوند قادر مطلق می‌فرماید: «شما می‌گویید خدمتی که برای من می‌کنید خسته‌کننده است، ولی شما به نام من اهانت می‌کنید، زیرا شما حیواناتی را که به زور از مردم گرفته‌اید و آنهایی را که لنگ یا بیماراند، به عنوان قربانی برای من می‌آورید! آیا فکر می‌کنید که من آنها را می‌پذیرم؟ (۱۴) لعنت بر آن کسی که مرا فریب بدهد، یعنی وعده کند که برای من قوچ سالمی را از گله خود قربانی کند و بازهم برود و حیوان معیوب را به عنوان قربانی برای من بیاورد. من پادشاه عظیم هستم و نام من در بین

قومهای جهان با عزت و احترام یاد می شود.»

هشدار به کاهنان

① خداوند قادر مطلق به کاهنان می فرماید: ② «اگر به کلام من گوش ندهید و از صمیم دل به نام من احترام نکنید، پس من به جای این که شما را برکت بدهم، لعنت می کنم و در حقیقت از همین حالا مورد لعنت من قرار دارید، زیرا شما کلام مرا در دلهای تان نمی پذیرید. ③ من فرزندان تان را تنبیه می کنم، به روی تان سرگین حیوانات را می پاشم و شما را از حضور خود می رانم. ④ آنگاه خواهید دانست که من این فرمان را به شما دادم تا پیمانی را که با جدتان، لاوی بسته بودم، پابرجا بماند.

⑤ در پیمان خود ذکر کرده بودم که به آنها حیات و آرامش می بخشم و آن کار را هم کردم تا آنها نیز به نام من

احترام کنند و از من بترسند. ⑥ آنها حقیقت و راستی را
به مردم تعلیم دادند و از زبان‌شان حرف غلط شنیده نشد.
آنها در راه من قدم برداشتند و از طریق راستی انحراف
نکردند. ⑦ چون کاهنان سخنگوی من، خداوند قادر
مطلق هستند باید به مردم حقیقت و معرفت را تعلیم
بدهند تا مردم طریق راستی را بیاموزند. ⑧ اما شما از راه
راست انحراف کردید و با تعالیم غلطتان باعث لغزش
بسیاری از مردم شدید. شما پیمانی را که با جدتان بسته
بودم، شکستید. ⑨ بنابراین، من شما را در نظر مردم خوار
و حقیر می‌سازم، زیرا شما احکام مرا نمی‌پذیرید، در
تعالیمتان عدالت را رعایت نمی‌کنید و بین مردم تبعیض
قائل می‌شوید.»

ازدواج و وفاداری نشانه عهد و پیمان خدا

۱۰ آیا همه ما از یک پدر نیستیم؟ آیا همه ما را خدا
نیافریده است؟ پس چرا به یکدیگر خیانت می‌کنیم و
پیمانی را که خدا با اجداد ما بست، می‌شکنیم؟ ۱۱ مردم
یهودا خیانت کردند و در اورشلیم و شهرهای یهودا
مرتکب اعمال زشت شدند. مردم یهودا عبادتگاه محبوب
خداوند را بی‌حرمت ساختند و با دختران بُت‌پرست
ازدواج کردند. ۱۲ خداوند همه کسانی را که این کارها را
کرده‌اند از بین قوم برگزیده خود، اسرائیل، دور کند و
نگذارد که دیگر با مردمی که برای خداوند قادر مطلق
قربانی می‌آورند، یکجا شوند.

۱۳ کار دیگری که می‌کنید این است: شما قربانگاه
خداوند را از اشکهای تان پُر می‌سازید و ناله و زاری
می‌کنید، زیرا او دیگر قربانی‌هایی را که شما می‌آورید،
نمی‌پذیرد. ۱۴ می‌پرسید: «چرا او قربانی‌های ما را قبول

نمی‌کند؟» به‌خاطری که شما به همسرتان که در جوانی با او پیوند وفاداری بسته بودید، خیانت کردید و خدا شاهد کردارتان بود. (۱۵) آیا خدا شما را یک تن نساخت؟ آیا شما در جسم و روح یک نیستید؟ خدا از شما چه توقع دارد؟ او می‌خواهد که فرزندان راستکار و خداشناس داشته باشید. پس حالا مواظب باشید که به همسرتان خیانت نکنید.

(۱۶) خداوند، خدای اسرائیل می‌فرماید: «من از طلاق نفرت دارم و نمی‌خواهم که کسی در حق زن خود ظلم کند. پس مواظب خود باشید و خیانت نکنید.»

روز داوری نزدیک است

(۱۷) شما با سخنان‌تان خداوند را خسته ساخته‌اید و بازهم می‌گویید: «چگونه او را خسته ساخته‌ایم؟» با این

سخنان تان او را خسته می سازید که می گوید: «خداوند قادر مطلق از کسانی که کارهای بد می کنند راضی است و آنها را دوست دارد.» یا می گوید: «کارهای خدا عادلانه نیستند.»

① خداوند قادر مطلق در جواب می فرماید: «من قاصد خود را می فرستم تا راه را برای من آماده سازد. بعد خداوندی که منتظرش هستید، ناگهان به عبادتگاه خود می آید. آن قاصدی که مشتاق دیدارش هستید، می آید و پیمان مرا به شما اعلام می کند.»

② اما چه کسی می تواند طاعت آن روز را داشته باشد؟ وقتی او می آید، کیست که بتواند با او روبرو شود؟ او مانند آتشی است که فلز را تصفیه می کند و مانند صابونی است که همه چیز را پاک می سازد. ③ او مانند کسی که

نقره را صاف می‌کند، کاهنان را مانند طلا و نقره پاک می‌سازد تا آنها با دل صاف هدیه‌های خود را به خداوند تقدیم کنند. ④ آن وقت هدیه‌های مردم یهودا و اورشلیم مانند سالهای گذشته مورد پسند خداوند واقع می‌شوند.

⑤ خداوند قادر مطلق می‌فرماید: «آنگاه من برای داوری نزد شما می‌آیم. بر ضد جادوگران، زناکاران، کسانی که قسم ناحق می‌خورند، آنهایی که در مزد کارگران تقلب می‌کنند، اشخاصی که در حق بیوه‌زنان و یتیمان و بیگانه‌گان ظلم می‌کنند و از من نمی‌ترسند، شهادت می‌دهم.»

دزدی کردن از خداوند

⑥ خداوند قادر مطلق می‌فرماید: «من خداوندِ تغییرناپذیر هستم. به همین دلیل است که شما، ای اولادۀ

يعقوب، از بين نرفته‌ايد. ٧ شما هم مانند پدران‌تان از احكام من سريچي كرده و آنها را بجا نياورده‌ايد، ولي حالا وقت آن است كه به‌سوي من برگرديد تا شما را ببخشم. شما مي‌پرسيد: چگونه به‌سوي تو برگرديم؟ ٨ آيا كسي مي‌تواند از خدا دزدي كند؟ ولي شما از من دزدي كرده‌ايد و مي‌گويد: ما چگونه از تو دزدي كرده‌ايم؟ شما در پرداخت دهيك دارايي و هديه‌هايي كه براي من مي‌آوريد تقرب مي‌كنيد. ٩ شما همه زير لعنت هستيد، زيرا از من دزدي مي‌كنيد. ١٠ ده فيصد دارايي‌تان را به طور كامل به خزانه عبادتگاه من بياوريد تا براي كاهنان خوراك كافي موجود باشد. به اين ترتيب مرا امتحان كنيد و ببينيد كه چطور روزنه‌هاي آسمان را باز مي‌كنم و شما را از نعمتها و بركت‌هاي فراوان خود برخوردار مي‌سازم. ١١ آنگاه من ملخها و بلاها را از كشورتان دور

می‌کنم تا محصول زمین شما ضایع نشود و
تا کستانهای تان بی‌حاصل نگردند. (۱۲) ملت‌های دیگر شما
را خوشحال و کامیاب می‌خوانند و کشورتان یک
سرزمین با ثمر می‌شود.»

کتاب یادگاری برای اشخاص وفادار به خداوند

(۱۳) خداوند می‌فرماید: «شما بر ضد من سخنان زشت
گفته‌اید.» ولی شما می‌پرسید: «ما بر ضد تو چه
گفته‌ایم؟» (۱۴) شما گفته‌اید: «عبادت خدا بی‌فایده است.
چرا ما همیشه از احکام او پیروی کنیم و یا با غم و اندوه
برای بخشش به حضور خداوند قادر مطلق برویم؟» (۱۵)
ببینید که مردم خودخواه و متکبر چطور خوشبخت
زندگی می‌کنند، اشخاص بدکار کامیاب و سعادتمند
می‌شوند و از مجازات نجات می‌یابند.»

۱۶) آنگاه کسانی که به خداوند احترام داشتند با
 یکدیگر به گفتگو پرداختند. خداوند به سخنان آنها گوش
 داد و همه را شنید. سپس در کتاب یادگاری که در
 حضور خداوند بود، نامهای همه کسانی که به نام خداوند
 احترام داشتند، نوشته شدند. ۱۷) خداوند قادر مطلق
 می‌فرماید: «در آن روز معین، اینها قوم خاص من خواهند
 بود و مانند پدری که به فرزند فرمانبردار خود رحم و
 شفقت نشان می‌دهند، من هم بر آنها رحم می‌کنم. ۱۸)
 آنگاه قوم برگزیده من می‌توانند مردم خوب و بد،
 اشخاص خداشناس و آنهایی را که بنده‌گی مرا نمی‌کنند،
 از هم تشخیص بدهند.»

روز داوری خداوند فرامی‌رسد

۱) خداوند قادر مطلق می‌فرماید: «اینک روز داوری

من مانند تنور شعله‌ور فرامی‌رسد و همهٔ اشخاص متکبر و شریر را مانند کاه می‌سوزاند و آنها طوری می‌سوزند که هیچ اثری از ایشان باقی نمی‌ماند. (۲) اما برای شما که از نام من می‌ترسید، آفتاب عدالت من با نور شِفا بخش خود طلوع می‌کند. شما مانند گوساله‌ها از خوشی جست و خیز می‌زنید. (۳) در آن روز معین، مردم بدکار را مانند خاکستر در زیر کف پاهای تان لگد مال می‌کنید.

(۴) تعالیم، فرایض و احکامی را که بر کوه سینا توسط خادم خود، موسی به همهٔ قوم اسرائیل دادم، فراموش نکنید.

(۵) قبل از فرارسیدن آن روز عظیم و ترسناک که روز داوری خداوند است، من ایلای نبی را نزد شما می‌فرستم. (۶) او دل‌های پدران را به‌سوی فرزندان و دل‌های

فرزندان را به‌سوی پدران مایل می‌سازد تا مبادا من
سرزمین شما را با نفرین خود ویران کنم.»